

در نشست بررسی داستان «چشم‌هایم در اورشلیم»

چرا نویسندگان درباره فلسف



که گفتند اسرائیل ۲۵ سال آینده را نمی‌بیند. اگر ۲۵ را بعلاوه ۲۰۱۴ کنیم می‌شود ۲۰۳۹ و طبیعتاً سال ۲۰۳۵ اثری دارد و هوشمندی نویسنده را می‌رساند. نکته بعد این است که بازنویسی کتاب از دی ماه ۹۸ به بعد بوده چون شهادت حاج قاسم در این تاریخ بود و کتاب در سال ۱۴۰۰ چاپ شده است. در اینجا نویسنده تجربه کافی نداشته و نشر معارف هم این دغدغه را نداشته که به طور ریز به ماجرا دقت کند تا تاریخ مصرف کتاب پایین نیاید.

نویسنده کتاب در این زمینه معتقد بود: وقتی حضرت آقا آن نکته را فرمودند من با خودم حساب و کتابی کردم که از این صحبت ایشان جلوتر نیفتاده باشم و بعد متوجه شدم که هنوز آن ۲۵ سال تمام نشده و جا دارد یک کتاب دیگر بنویسم. مادر بخش فیلمنامه کاری انیمیشنی در مورد فلسطین انجام می‌دهیم و با توجه به طوفان الاقصی به دوستان می‌گفتم زودتر انجامش بدهیم تا اسرائیل از بین نرفته که تاریخ مصرف کار از بین نرود.

رمان امنیتی در میان مخاطب ایران جا باز کرده است

منتقد کتاب ادامه داد: رمان امنیتی مدت‌هاست که در میان مخاطب ایران جا باز کرده است.

اگر ۲۰ سال پیش کسی رمان امنیتی می‌نوشت شاید برای ما آن قدر جذابیت نداشت



صرفاً است
«زایو» اس
را درگیر کر
تحت الشع
این واقع
و نمی‌توان
برای من
نبود. خیل

منتشر شد که کاملاً ضد آمریکایی است. نام اثر «برزخ زمین» از هاشم افتخار و از نشر مدرسه است. اسم نویسنده مستعار است و ما نمی‌دانیم نویسنده این کتاب کیست. در دهه ۷۰ کارهایی داریم که خنثی هستند مثل کار معروفی به نام «تن و سنباده» که فضای ابرقهرمانی دارد و نمی‌توان گفت علمی و تخیلی



آذرباد:

می‌توانم بگویم

نمودهای علمی

و تخیلی در این

کتاب بسیار

کم است. باید

احساس در آینده

بودن را داشته

باشیم. اگر عدد

سال ۲۰۳۵ نبود

من این حس را

نداشتم

استفاده می‌شود. اینجا تریلر به معنایی هیجانی است.

این کتاب علمی-تخیلی نرم است

آذرباد ادامه داد: در مورد علمی-تخیلی‌ها این کارها به صورت کلی دو دسته‌اند یا نرم هستند یا سخت و این از نظر من سخت نیست، زیرا شما هیچ جزئیات فنی و علمی زیادی که مبنای کتاب روی آن استوار باشد را ندارید. به شما جزئیات علمی نمی‌دهد و فقط در مورد اثرش با شما صحبت می‌کند.

نرم حساب می‌شود چون در قاعده‌ای که در مورد ادبیات ژانر علمی و تخیلی نرم داریم، می‌گوییم ادبیات علمی و تخیلی نرم بر تأثیری که تکنولوژی و فناوری بر انسان می‌گذارد، بحث می‌کند. در مورد ویژگی‌های تریلر یک بخش پوشش دادن مناسبات جنایی در مقیاس ملی و بین‌المللی است. هیجان خیلی زیادی دارد و پر از داده‌های دقیق و مبتنی بر خود داستان است.

حال ببینیم این کتاب چقدر علمی و تخیلی است؟ ما داستان را می‌خوانیم و می‌بینیم نویسنده در جایی می‌گوید سال ۲۰۳۵ است. اگر این سال ۲۰۳۵ را از داستان حذف کنیم آیا باز هم احساس علمی-تخیلی بودن می‌کنیم؟! کتاب ۲۰ سال پیش نوشته شده، بر فرض که بگوییم این کتاب علمی و تخیلی نرم است، می‌توانم بگویم نمودهای علمی و تخیلی در این کتاب بسیار کم است. باید احساس در آینده بودن را داشته باشیم. اگر عدد سال ۲۰۳۵ نبود من این حس را نداشتم. آنچه ما در این کتاب در باب علمی و تخیلی بودن داریم به اندازه جایگاه علمی و تخیلی کتب نیست.

آیا نویسنده برای انتخاب سال ۲۰۳۵ اجباری داشته است؟

مریم مقانی در پاسخ به این سوال گفت: جلد اول در سال ۲۰۳۱ اتفاق افتاده بود. من ۱۵ تا ۱۶ سال پیش این اثر را نوشته‌ام، موضوع تاج روی میز، کاشت و ایمپلنت و ماشین‌خودران در آن زمان مثل امروز نبود و هنوز دانشمندان روی آنها کار می‌کردند ولی امروز این موارد عادی شده است.

چون این کار را ۱۵ یا ۱۶ سال پیش نوشتم می‌توانم از خودم دفاع کنم. من نویسنده‌ای تازه‌کار بودم و در آن زمان این موارد که در کتاب آمده، نبودند و امروز عادی شده‌اند. بعد از ۱۵ یا ۱۶ سال نمی‌شود در بازنویسی کتاب را تا حد زیادی تغییر داد به همین دلیل من به این موارد دست ن‌زد و نهایتاً یک بازنویسی کوچکی در مورد علاقه شخصیت اصلی به حاج قاسم داشتم و همه چیز همان طور دست نخورده باقی ماند.

تأثیر شهادت حاج قاسم بر بازنویسی کتاب

آذرباد ادامه داد: با توجه به آنچه خوانده‌ایم و اتفاقات چند سال گذشته، طبیعی است که نویسنده در بازنویسی به دو نکته بسیار توجه داشته؛ یکی سخنرانی رهبر انقلاب در سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۵)

نشست نقد و بررسی کتاب «چشم‌هایم در اورشلیم» به قلم مریم مقانی با حضور نویسنده و مسعود آذرباد (منتقد ادبی) و جمعی از اهالی ادبیات و رسانه به همت تم‌استوری در کافه‌کتاب زیتون برگزار شد.

حرف‌های من در یکی دو کتاب تمام نمی‌شود!

در ابتدای این نشست، نویسنده داستان گفت: من این کتاب را در سال ۱۳۸۸ نوشتم. این کتاب جلد دوم از کتاب دیگری است که آن هم در سال ۸۸ در طرح نو قلم‌ان انجمن قلم به دست ناشر سپرده شد. این دو کتاب پشت سر هم نوشته شد و آن اثر در جشنواره پروین اعتصامی در بخش رمان بزرگسال تقدیر شد. این کار بلافاصله بعد از آن اثر نوشته شد و در سال ۱۳۹۲ توسط انتشارات تکا چاپ شد. انتشارات تکا کتاب‌ها را در کتابخانه‌های کشور می‌گذارد و این کتاب به خوبی دیده نشد.

وی ادامه داد: سال‌ها گذشت و نشر معارف و آقای فیروزجایی که در جریان این کتاب بودند، گفتند که این دو کار را برای چاپ بیاورید. من اشتباهی استراتژیک مرتکب شدم و بدون معرفی کتاب اول، این کتاب را چاپ کردم. کتاب اول نیاز به بازنویسی داشت. بعد از ۱۰ تا ۱۵ سال دوست داشتم کارها را بازنویسی کنم. این شد که این کار بدون انتشار جلد اول، چاپ شد.

مریم مقانی افزود: چون این دو اثر پشت سر هم نوشته شده بود در ذهن من این کتاب دنباله کتاب اول بود و به همین دلیل برخی از جزئیات در اثر تکرار نشده است. به همین دلیل خواننده‌ها می‌گویند کمی طول می‌کشد تا شخصیت‌ها را پیدا کنیم و بفهمیم ماجرا چیست. نقطه ضعف بزرگ این کتاب همین است و اعتراف می‌کنم حقش توسط من ضایع شد. من در تدارک بازنویسی جلد اول هستم تا به چاپ برسد. از ابتدای کار بود این آثار سه‌گانه باشند، چون حرف‌های من در یکی دو کتاب تمام نمی‌شود و ادامه پیدا می‌کند.

این کتاب، ژانر است

مسعود آذرباد، منتقد ادبی و ویراستار داستانی نیز در این نشست، سخنانش را با مسأله‌ای اساسی و کلیدی آغاز کرد؛ بیشتر وقت‌ها وقتی نقد را می‌خوانیم یا در برابر منتقد هستیم، ولی چارچوب فکری و استدلالی که پشت گفته‌های منتقد است برای ما روشن نیست. ابتدا در مقام منتقد باید بگوییم ایده‌های من این ویژگی‌ها را دارد و بعد مقایسه می‌کنم که این چارچوب‌ها و ایده‌ها در کتاب چقدر عملی شده و چقدر مغفول مانده است.

وی افزود: این کتاب را در بخش ادبیات ژانر می‌گذارند، چون موضوعش امنیتی است و در فضایی به سر می‌برد که جاسوسی و نفوذ دارد و چون در آینده می‌گذرد علمی-تخیلی هم به حساب می‌آید. پس این کار از نظر من یک کار ژانر است. در ایران ما از لفظ امنیتی استفاده می‌کنیم، ولی در فضای ژانر از عبارت «رمان تریلر»

نقد ادبی



■ مسعود آذرباد، نویسنده و منتقد ادبی:

فضای ادبیات ژانر ایران رشد کرده است

فضای ادبیات ژانر ایران به فراخور رمان ادبی رشد داشته است. من فکر می‌کنم بوف کور مربوط به همین ژانر است. بعد از انقلاب یکی از معروف‌ترین این کارها در سال ۱۳۷۱ چاپ شده است. فکر می‌کنم اسم کار «جهش خاطرات روز بعد» اثر محمد قصاب است. ایشان مترجم علمی-تخیلی است. یک کار انقلابی خیلی خوب هم در سال ۷۶ در اوایل دولت اصلاحات